

همه دانش آموزان می توانند ۲۰ بگیرند؟

نوشته مرتضی مجدفر

آنچه در نمودار مشاهده می شود و در کلاسهای درس و از آن جمله، هم اکنون در بسیاری از کلاسهای درسی مدارس ایران اتفاق می افتد، روشی است که به آن «یادگیری نسبی» نام داده اند؛ و یک روش سنتی و از رده خارج است که امروزه، در کمتر کشوری به طور جدی آن را مورد تأیید قرار می دهند.

ذکر نکته ای به عنوان تکمیل کننده اطلاعات و آمار و ارقام ارائه شده می تواند جالب توجه باشد. وقتی مدارک تحصیلی سه نفری که به سوال طرح شده پاسخ مثبت داده بودند، مورد بررسی قرار داده شد، متوجه شدیم که دو نفر از آنها لیسانس آموزش ابتدایی دارند و دیگری دارای لیسانس مدیریت آموزشی است. از چهارصد معلم باقی مانده که به این پرسش جواب منفی داده بسودند، بیش از سیصد و ده نفر از آنها را فارغ التحصیلان دوره های کاردانی مراکز تربیت معلم و یا دانشسراهای دو یا چهارساله تشکیل می دادند. جای تأسف است که در چنین دوره های آموزشی، حتی عبارات «یادگیری نسبی» و «یادگیری کامل» را نیز به گوش دانش آموخته رشته های مختلف معلمی نمی رسانند، چه برسد به اینکه راهبردهای عملی سوق دادن دانش آموز به مسیری که منجر به اخذ نمره کامل شود را نیز به معلمان آموزش دهند.

یادگیری نسبی و دل بستن به رسم منحنی های نرمال و نمودارهای مختلف که هم اکنون در تمامی مدارس و کلاسهای درس به وفور شاهد آن هستیم، روش سنتی و مطرود آموزش و پرورش است. در یادگیری نسبی، میزان پیشرفت تحصیلی هر شاگرد در مقایسه با پیشرفت سایر شاگردان همکلاسی سنجیده می شود و نمره ای که به محصل داده می شود، معرف موقعیت نسبی او در کلاس درس است.

مبانی فلسفی یادگیری کامل

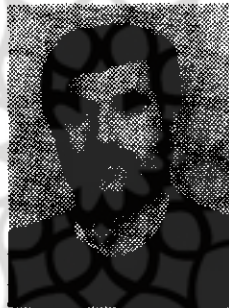
بر یادگیری نسبی، سه عیب عمده به شرح زیر وارد شده است:

الف - این نوع مقیاس نمره ای، میزان یادگیری شاگرد را در مقایسه با یک ملاک مطلق مشخص نمی کند. مثلاً در مورد شاگردی که در آزمونهای نهایی موفق می شود، واقعا ما نمی دانیم چه چیزی را فرا گرفته و به چه سطحی از دانش و مهارت رسیده است و قابلیت و توانایی چه کارهایی را دارد.

ب - با مقیاس نمرات به شیوه یادگیری نسبی، نقاط

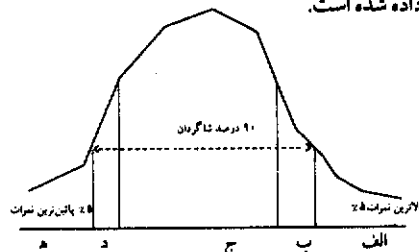
درس می گذرد، خلاف این خواسته است. تنها عده انگشت شماری از دانش آموزان یک کلاس به موفقیت کامل دست می یابند و ما، تنها می توانیم به آنها نمره کاملی را اختصاص دهیم. در مقابل اینها، شاگردانی هم دیده می شوند، که بر اثر کمبودهای یادگیری، حتی نمی توانند از مرز قبولی هم عبور کنند؛ به این افراد ناموفق، کمترین نمره را می دهیم و به رغم آرزوهای خود، آنها را مردود می سازیم.

معمولاً این دو دسته (کاملاً موفق و کاملاً ناموفق) در حدود ده درصد دانش آموزان یک کلاس را تشکیل می دهند.



مرتضی مجدفر

نود درصد بقیه از نظر میزان فراگیری، بین این دو گروه قرار می گیرند و نمراتی با درجه متوسط بدست می آورند. از مشاهده چنین نمراتی، نتیجه می گیریم که چون استعداد یادگیری شاگردان متفاوت است، طبیعاً نمرات آزمون آنها هم باید چنین توزیمی داشته باشد. در واقع توزیع «نرمال» را معرف «درستی عمل معلم» می دانیم و اگر توزیع نمرات از شکل نهایی خود خارج شود، مثلاً نمرات بسیار بالا و یا بسیار پائین باشد، فکر می کنیم یا معلم دست و دل بازی کرده و یا بیش از اندازه سخت گرفته است. در نمودار شماره یک توزیع نمرات دانش آموزان در تفکر تقسیم بندی پنج طبقه بندی، نشان داده شده است.



نمودار ۱ - توزیع نرمال نمرات دانش آموزان در تفکر یادگیری نسبی

ممکن است از ما سؤال کنند: آیا همه شاگردان یک کلاس (و یا یک مدرسه) می توانند دروس را به حد مطلوب و کامل فرا بگیرند و استحقاق دریافت بالاترین نمره امتحانی را، که در حال حاضر در نظام آموزشی ما بر مبنای تقسیم بندی صفر تا ۲۰، ارزش بیست است، داشته باشند؟

پاسخها متفاوت است و بستگی به این دارد که از چه زاویه ای، و از دیدگاه چه کسانی به این پرسش، پاسخ دهیم؟ توجه کنید: در یک بررسی آماری و نظرخواهی ساده در جمع معلمان یکی از شهرستانهای حاشیه ای شهر تهران (از ذکر اسم شهرستان به دلایلی خودداری می شود)، در بین ۴۲۰ معلم حاضر در مجمع عمومی آموزگاران پایه دوم، این سؤال به صورت کتبی مطرح شد و مقرر گردید معلمان نظرات خود را به طور مشروح و با ذکر پاسخ مثبت یا منفی بنویسند. تقریباً چهارصد پاسخ نوشته شده دریافت گردید و با بررسی آنها، مشخص شد تنها سه نفر به این سوال پاسخ مثبت داده اند و بقیه، یعنی نزدیک به چهارصد نفر گفته اند چنین چیزی، غیرممکن است. البته روشن بود اگر این پرسش، در جمع معلمان یکی از مناطق مرفه شهری مطرح می شد، در اعداد و ارقام بدست آمده و پاسخهای مثبت و منفی تفاوتی مشاهده می کردیم؛ ولی آیا واقعاً، تعداد و یا درصد پاسخهای مثبت و منفی معلمان منطقه مرفه شهری در قیاس با منطقه حاشیه ای، می توانند به طور کامل جا به جا شوند؟ چنین آزمایشی در جلسات جمعی از معلمان ۵، ۱۳، ۸ و ۱۶ تهران نیز تکرار شد و نتایج بدست آمده در کلیه مناطق، با ضریب بالایی به سود پاسخهای منفی گرایش نشان داد.

پاسخهای منفی معلمان، نشانگر این واقعیت در نظام آموزشی ما است که به رغم گذشت بیش از یک سده از آغاز آموزش و پرورش کلاسیک در کشورمان، هنوز نظام آموزشی کشور به خوبی از پدیده های نوین روان شناسی و علوم یادگیری متأثر نشده است.

بنجامین. اس. بلوم و پیروان مکتب یادگیری کامل در پاسخ به این سؤال می گویند: این آرزو عملی است و کلیه دانش آموزان یک کلاس می توانند دروس را به حد کامل یاد بگیرند و بالاترین نمره ممکن در نظام امتحانی را به خود اختصاص دهند.

ولی واقعیت چنین نیست، و معمولاً آنچه در کلاس

ضعف دانش آموز روی هم انباشته می‌شود. تا جایی که او را از پیشرفت باز می‌دارد. مثلاً دانش آموزی که در کلاس سوم ابتدایی از ریاضی نمره ۱۲ می‌گیرد، و هشت نمره را از دست می‌دهد، باز هم به کلاس بالاتر ارتقاء می‌یابد یعنی درس ریاضی را به طور کامل فرا نگرفته و کمبودهایی هم دارد، ولی به رغم این کمبودها، در کلاس چهارم هم ریاضی فرا می‌گیرد و به علت ندانستن و ضعیف بودن در مفاهیم بنیادی، در این کلاس نیز، با مشکلاتی روبه رو می‌شود. ممکن است، حتی وی در این کلاس و شاید پایه‌های بالاتر هم موفق شود، ولی در هر صورت در کلاسهای بعدی، با مشکلات بیشتری روبه رو خواهد شد. هر اندازه دانش آموز بیشتر می‌رود، نقص روی نقص انباشته شده و در نهایت، او را از ادامه تحصیل و پیشرفت باز می‌دارد.

ج - رتبه بندی به شیوه یادگیری، اثرات نامطلوبی در روحیه محصل نسبت به خودش و نسبت به همسالگانش ایجاد می‌کند، آسیبی که از عوارض

اجتماعی و روانی یادگیری نسبی حاصل می‌شود. شاید حتی بیش از معایب آموزشی آن در خور توجه باشد.

در مقابل یادگیری نسبی، فلسفه آموزشی دیگری وجود دارد که به نام یادگیری کامل نامیده می‌شود. اساس تفکر یادگیری کامل، در تفاوت نگرش نسبت به مفهوم استعداد در میان دانش آموزان و از این راه، توجه به آموزش برنامه‌ای و مجموعه تمرینات و برنامه‌های آموزش انفرادی است. اگر بلوم و پیروان مکتب یادگیری کامل می‌گویند

همه دانش آموزان توانایی دریافت بالاترین نمره امتحانی را دارند، به طور قطع همه دستیابی به این بالاترین نمره، در کلاسهای پرجمعیت و توأم با تدریسهای گروهی اتفاق نمی‌افتد و در این میان، مواد یادگیری انفرادی به عنوان تکمیل کننده آموزشهای دسته جمعی، خودنمایی می‌کنند.

شاید در این خصوص، ذکر مبانی فلسفی یادگیری کامل که تماماً حول و حوش محور مهمی به نام «استعداد دانش آموزان» دور زده است، نیز لازم باشد. دانشمندان پیرو مکتب یادگیری کامل، با استثناء کردن ده درصد از افراد (سرآمدن و عقب افتادگان ذهنی) که از لحاظ استعداد متفاوت هستند، اصلاً این مبحث را که فلانی با استعداد است و بهمان کس بی استعداد و یا کم استعداد، مردود می‌شمارند. براساس اعتقاد این دانشمندان، تفاوت استعداد ده درصد از افراد، در سطح یادگیری

آنان است نه سرعت یادگیری. از این ده درصد، پنج درصد به نخبگان و تیزموشان و پنج درصد دیگر به عقب افتادگان ذهنی و کودکان استثنایی که ضریب هوشی پائینی دارند، اختصاص دارد. در مورد نود درصد بقیه، اعتقاد این گروه، این است که در اکثریت افراد این جامعه نود درصدی، تفاوت استعداد در سرعت یادگیری است نه در سطح آن، و از همین روست که از سوی «کارول»، از روان‌شناسانی که همواره پیروی خیلی جدی و علمی از فراگیری کامل را در سرلوحه کارهای خود داشته است، «استعداد» چنین تعریف می‌شود:

«استعداد نشاکر مدت زمانی است که برای یادگیری کامل موضوعی لازم است.»

به اعتقاد «کارول»، استعداد با طول زمان یادگیری متناسب است و لذا اگر بتوانیم شرایطی را فراهم آوریم که زمان آموزش برای افرادی که ظاهرآ کم استعداد هستند و در واقع زمان بیشتری را برای یادگیری طلب می‌کنند، افزایش یابد، حتی امکان اینکه این افراد هم به



چنین معضلی از امر یادگیری، راهبردهای عملی فراوانی ارائه می‌شود که تنوع، جذابیت و نوگرایی در ارائه تمرینات و حتی تبدیل ضعفهای دانش آموز به بازبهای آموزشی، یکی از آنهاست. اگر در نظام سنتی آموزش و پرورش، چون ظاهراً فلان درس، درس مشکلی است، برای آن کلاس تقویتی (افزودن زمان یادگیری) برگزار می‌کنیم، ولی در نظام پویای تعلیم و تربیت، با مراجعه به بخش آزمونها و ابزارهای اندازه گیری تشخیصی و ملاکهای مربوط به آن در درون بسته آموزشی خود، ضرورت و چگونگی برگزاری کلاس تقویتی را تحلیل می‌کنیم و برای تشکیل آن ارائه طریق می‌دهیم و حتی ممکن است انجام آن را بی فایده تشخیص دهیم و ابزار دیگری را جایگزین سازیم.

چگونگی تأمین عدالت آموزشی

از دیدگاه بلوم، اگر می‌خواهیم کودکان به فراگیری کامل نایل شوند، باید به پنج نکته توجه کنیم:

● استعداد یادگیری

دانش آموزان و تفاوتی که در سرعت و شیوه یادگیری آنها وجود دارد؛ سرعت و شیوه یادگیری دانش آموزان با بهره‌مندی از اجزای فراگیری محوری بسته‌های آموزشی قابل اصلاح و بهبود است.

● کیفیت آموزشها: کیفیت

آموزشی، در حالی خلق و بهبود خواهد یافت که معلم ابزارهای مربوط به آن را در اختیار داشته باشد و در کنار تدریس از آنها بهره‌مند شود. در داخل یک بسته آموزشی، ابزارهای متنوع کیفیت بخشیدن به آموزش همانند راهنمای تدریس،

وسایل آموزشی و تجهیزات دیداری - شنیداری، گنجینه راهبردهای یاددهی - یادگیری، طرح درس، ابزارهای اندازه گیری و... وجود دارد.

● توانایی شاگردان در برخورداری و بهره‌مندی

از آموزش؛ توانایی شاگردان در بهره‌مندی از آموزش، گرچه یک مقوله اجتماعی - اقتصادی است و بیشتر با موقعیت محلی و صنفی و خانوادگی فراگیران مرتبط می‌شود، ولی در صورت بهره‌برداری معلمان از تکنیکهای متنوع یادگیری و نیز بخشهای مختلف یک بسته آموزشی، می‌توان این برخورداری را افزایش داد و از نابرابریهای موجود تا حد ممکن کاست. در واقع می‌توان گفت این بخش از عوامل مرتبط با یادگیری کامل، بیشتر مربوط به برنامه‌ریزان آموزشی و استراتژیستهای کلان کشور است که چگونه در تأمین عدالت آموزشی در سطح جامعه تلاش کنند.

بالاترین نمره ممکن دست یابند، وجود خواهد داشت. افزایش زمان یادگیری، صرفاً با اضافه کردن زمان حضور دانش آموز در کلاسهای درس - که متأسفانه اکنون در کشور ما با نامها و طرحهای مختلفی همچون کلاسهای جبرانی، آموزشهای تقویتی و یا افزایش طول سال تحصیلی شهره عام و خاص شده است - بدست نمی‌آید و هم اکنون در روانشناسی یادگیری برای حل این بخش از مشکل نظام آموزشی، مبحث «تولید مواد یادگیری انفرادی برای فراگیرندگان، مورد تبادل نظر و ارائه طریق قرار گرفته است. برای دانش آموزی که حضور فیزیکی در کلاس درس، برای او ملال آور شده است، ارائه برنامه‌های تکمیلی مانند حضور مجدد در کلاسی به نام آموزش جبرانی و یا تقویتی و یا کاهش تعطیلات و شروع پیش هنگام آموزشهای رسمی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد. در یک بسته آموزشی^{۱۱}، برای حل

● **پشتکار:** «کارول» می‌گوید: پشتکار مدت زمانی است که فرد حاضر است برای یادگیری موضوعی صرف کند. دانش‌آموزی حاضر می‌شود برای یادگیری فنون کشتی، بعد از کار روزانه مدرسه‌اش، چهار پنج ساعت در سالن ورزش عرق بریزد؛ وی پشتکار یادگیری کشتی را دارد، و حاضر است حتی بیش از این

بستگی به میزان شناختی دارد که ما از کودکان، روحیات، علائق و دلبستگی‌های فعلی و آنی آنان بدست می‌آوریم. همچنین استفاده از شیوه‌های فراگیری محوری در کار تدریس و اعطای نقش به دانش‌آموز، موجب ایجاد حس مسئولیت در او شده، و پشتکار وی را افزونتر می‌سازد و در نهایت افزایش پشتکار در

حتی برای شاگردان کم استعداد هم گرفتن بالاترین نمرات امکان‌پذیر است

زمان هم برای یادگیری فنون این ورزش وقت بگذارد، ولی به هیچ عنوان حاضر نیست بیش از نیم ساعت حضور در کلاس ریاضی را متحمل شود. چرا؟ علمای علوم تدریسی می‌گویند: پشتکار در نتیجه تقویت انگیزه‌ها، افزونتر می‌شود و اگر معلمی راه ایجاد تحرک و افزایش پشتکار کودکان را بشناسد، قدم در وادی موفقیت گذاشته است. شناسایی چگونگی افزایش و پشتکار دانش‌آموزان در دروس و رشته‌های مختلف،

کودکان، به طور مستقیم با ایجاد یک حس عاطفی و پرمهر و محبت بین معلم و دانش‌آموزان ارتباط دارد. سعدی، شاعر شیرین سخن ایران، چند سده پیش از این، بدون آنکه از طرح‌هایی مانند کلاسهای جبرانی و افزایش زمان سال تحصیلی خبر داشته باشد، اصل پشتکار و مدت زمانی را که کودک حاضر است برای یادگیری صرف کند، بسیار پرنفوذ و زیبا در بیت معروف خود آورده است:

درس معلم از بسود زمزمه محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
● **هدف زمان یادگیری:** و البته، آن میزان وقتی است که فراگیران را با روشهای مختلف، در آموزش درگیر می‌کنیم، و منظور صرفاً زمانی نیست که دانش‌آموز مجبور به حضور در کلاس درس باشد.

«بسته‌های آموزشی» می‌توانند به عنوان یک ابزار آموزش مناسب، ما را به بالاترین حد یادگیری، یعنی فراگیری مطلق و باکامل رهنمون سازند و ان‌شاءالله با استفاده از این ابزار، همه دانش‌آموزان خواهند توانست کلیه دروس را به حد مطلوب و کامل فرا بگیرند و استحقاق دریافت بالاترین نمره در نظام آموزشی را داشته باشند.

۱- مراد از بسته آموزشی مجموعه روشها، ابزارها و امکاناتی است که به مدد آنها معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند به غریبهای بالایی از موفقیت دست یابند. در زمینه این بسته‌ها از همین نویسنده و سایر پژوهشگران عرصه آموزش و پرورش مقالات و کتب متعددی انتشار یافته است.



مبلفا

مشاور، برنامه‌ریز
و مجری پروژه‌های
تبلیغات و انتشارات

خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید سرافراز
(دریاسی‌نور)، کوچه پنجم، پلاک ۳۳
تلفن: ۸۷۳۳۶۰۸۸، ۸۷۳۳۳۰۷۰، ۸۷۳۳۰۶۹
فاکس: ۸۷۳۳۶۰۸۸

آیا می‌دانید؟

آیا می‌دانید چه سهمی از بازار در اختیار شماست؟
آیا شما می‌دانید وضعیت رقبای شما چگونه است؟
آیا می‌دانید در چه مناطقی از تهران و یا کشور
فروش بیشتری دارید؟
آیا می‌دانید.....؟

ما با داشتن تیم‌های متخصص در بررسی بازار به‌سؤالات شما پاسخ داده و اطلاعات مورد نیاز شما را با استفاده از روشهای علمی تحقیقات بازاریابی (Marketing Research) جمع‌آوری و آنالیز می‌نماییم.